



تیم ترجمه MHA FANS

مترجم: A12ms, Mr. Grand zero, Deku Senpai

کلیئر: F'(x), FM, Mirko, Sakasea

تایپ: Pardis, Mr. Grand zero, Deku Senpai

ویراستار: Eraser





آئویاما رو ببند
برو دهن



عجله نکن
میدوریا

سانسا



و نه، هیشکی
دست اون یکی رو
نمیگیره. در حال
حاضر باز داشته
پلیس هست



... نابخردانه است
که اجازه بدیم حرف
دیگه ای بزنه



... هنوز نمیتونیم
مطمئن باشیم مثل
ناگانت بدنش تله
گذاری نشده باشه

تا وقتی که
بیمارستان مرکزی
بدنش رو آنالیز
کامل کنن...

... با وجود اینکه
بنظر میاد امن
هست و مشکلی
نداره...



هر جور بهش به
خاطر شرایطی
که داشته تخفیف
بدیم ...
... این موضوع که
به آل فور وان
کمک کرده سر
جاش می مونه

تازه...



ما هیچ راه
ارتباطی ای
باهاش نداریم

تنها راه ارتباطی
وقت هایی هست که
خودش میاد پیشمون

خانم و آقای
آئیویاما...

چرا آل فور وان رو از
شورش توی کامینو
مطلع نکردید؟



الان شرایطمون
مگه همین نیست؟

نمیتونیم آل فور
وان رو پیدا کنیم



احتمالا برای اینه
که وقتی دستگیر
شدید خودش تو
مخمصه نیفته

کارگاه
سوکائوچی!



درسته شروع
جنگ با اون هاست

برای همین هم هست
که هرکسی که میتونه
شرکت کنه رو جمع
میخوایم بکنیم تا حداقل
از نظر تعداد نیروها
شانس برد داشته باشیم

!!



اووه...

... اونم وقتی
من یه ویلن
نفرت انگیزم؟

... که آل فور وان
رو گول بزنه!

... که
میتونه...

اگه راهی نیست،
پس شاید ما هم
بتونیم...

... جلو کثیر ویلن ها
سبز بشیم و باهاشون
مبارزه کنیم!

عا
معلومه!

اگه بهش از یه
زاویه دیگه
نگاه کنیم...

... در حال
حاضر، فقط یه
نفر هست...

... منو نگاه
میکن...

چرا؟

چرا برگشتن...





... برای
گذشته است

همه این ها



و دقیقاً برای همین
هم هست که ...

این کوتاهی از
طرف ما هم بوده ...

... که نتوانستیم چیزی
که توی قلبش سنگینی
میکرده رو بفهمیم



وقتی
می بینیم ...

... همکلاسیمون
توی غم فرو رفته ...

... انگیزه پیدا
میکنیم که به عنوان
دوست هاش کمک
حالش باشیم



چون این تنها
راهی هست...



تا بزاریم
دستمون رو بگیره



... که ما میتونیم
یه بار دیگه...

... اون رو با خودمون
برابر و برادر ببینیم.



آه یاما، فکر میکردی
در مقابل آل فهور وان
هیچ شانسی نداری،
مگه نه؟

برای همین ارزش پیروی
کردی! ولی قضایا عوض
شدن! تو خواهستی از
رفقات مایه بزاری تا این
قرار مسخره رو تمومش
کنی، غیره اینه؟

راست
میگه!



چه دردسرهایی
که به خاطر مردک
سرم نیومد...

یه پنج تاهویتزر
روش خالی کنم اون
موقع حسابمون
صاف میشه

هر هر هر... یکم
زیادی خشن بود،
فکر نمیکنی؟

وقتی رفتیم
میدوریا رو از
خیابون ها
جمع کنیم...

... اصلا دیدی هیچ
کرومومون به خاطر بی
کوسه بودنش بهش
تیکه بندازیم؟

اصلا دیدی سر اینکه
پرا منفی نگه داشته
رازش رو پیزی بهش
بگیم؟ برای نگه داشتن
اشک هاش پی؟

آئویاما!!!

ما...
هنوز هم
میتونیم بلهه
قوی وایسیم!!!

بخشید
هیجانتون رو بهم
میزنم، ولی...

... راجع همکاری
خانواده آئویاما با
تحقیقاتمون...

... همین الان بهمون
توضیح دادن که آل
فور وان هیچ دروغی
رو باور نمیکنه

درک میکنم همه
تون چه حالی دارید،
ولی بیاید منطقی
عمل کنیم



کار آگاه اگه میشه
گوش های خانواده
آنویما رو چند دقیقه ای
پوشونید...

به عنوان معلم
ثابت کلاس ای...
... من یه
نظری دارم



باید ریز به
ریز همه جارو
بگردیم...

...

میخوام ادامه اش
رو تو مرکز از
سر بگیریم

ممکنه ارزش
امتحان کردن
داشته باشه...
سانسا

ولی به نظر
عملی میاد!

همه چی به اون
بستگی داره...

آئویاما!

بقیه اتون هم
اعتماد بنفستون
رو همینطور بالا
نگهدارید

فهمیدید؟







باید بعضی از
تجهیزات کلیدیم
(و تعمیر کنم)...



برای اینکه به شانس
وابسته نباشیم...

برای آماده
شدن برای
مبارزه ای که
داریم...

* وقتی که فکر میکنید به صحنه رو قبلا به جایی دیدید بهش میگن دژاوو



دژاوو... *



اوه چه
دردی
داشت...





To be connected...